

# خارج الفقہ

۷-۳-۲۰۱۴ فقہ اکبر ۲

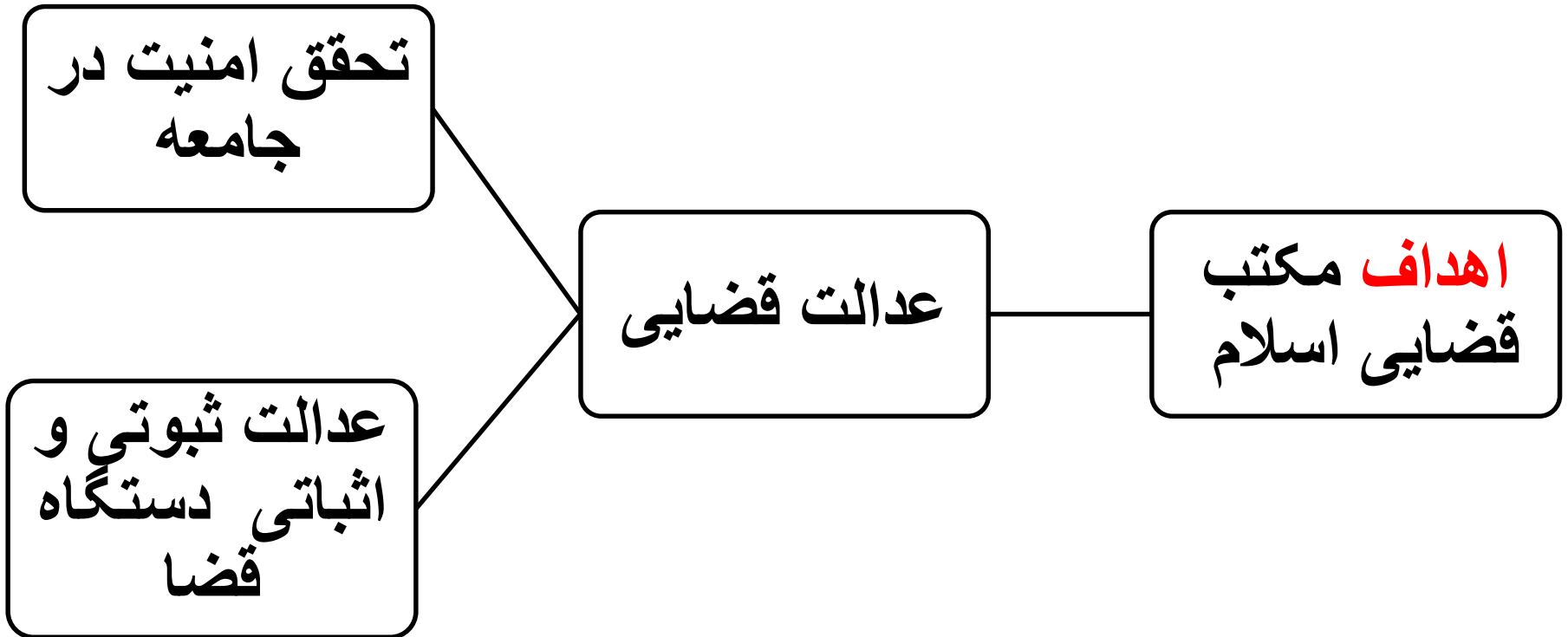
۹۰

(مکتب و نظام قضایی اسلام)

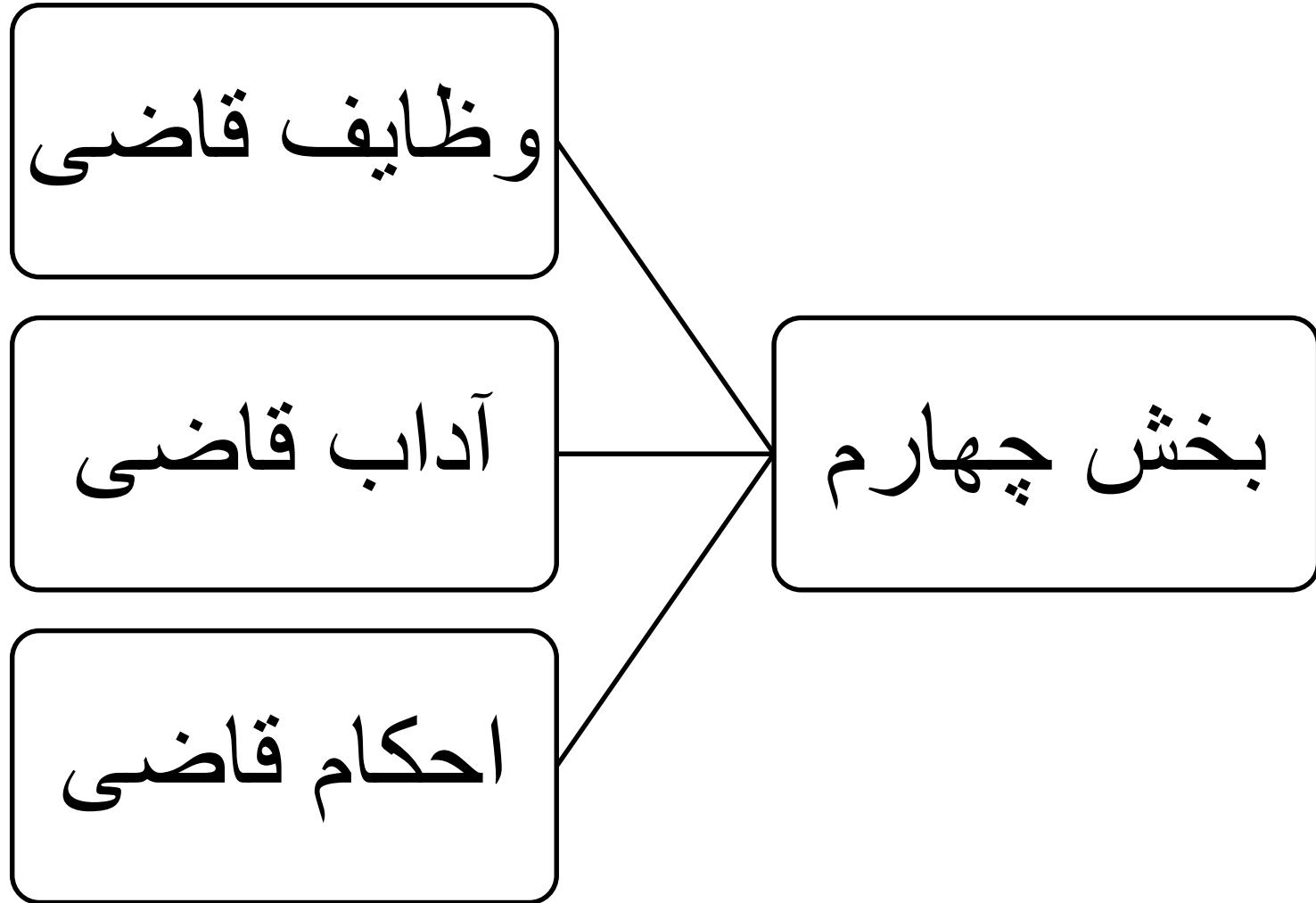
دراسات الاستاذ:

مهدي الهادي الطهراني

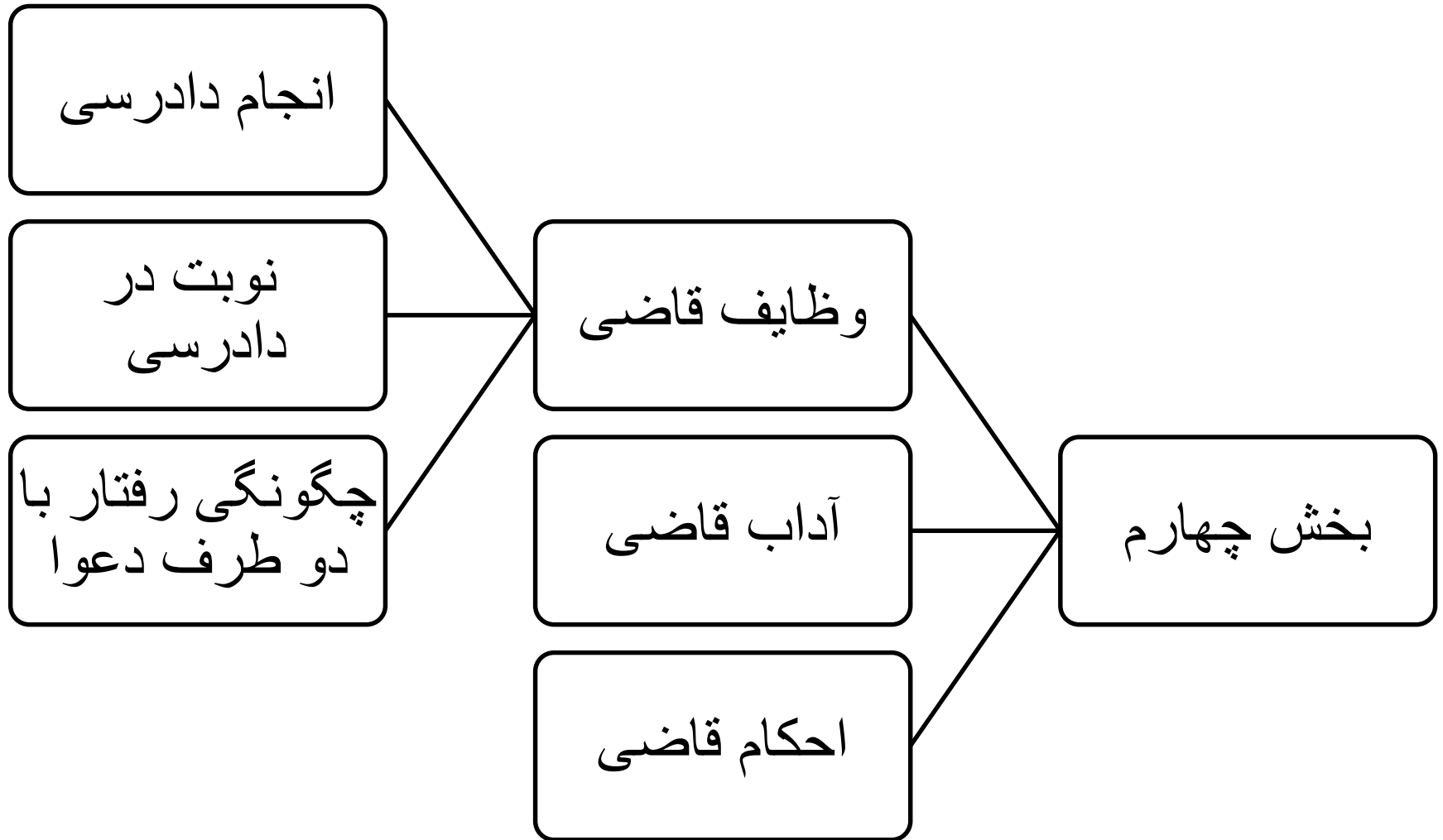
# اهداف مكتب قضايي اسلام



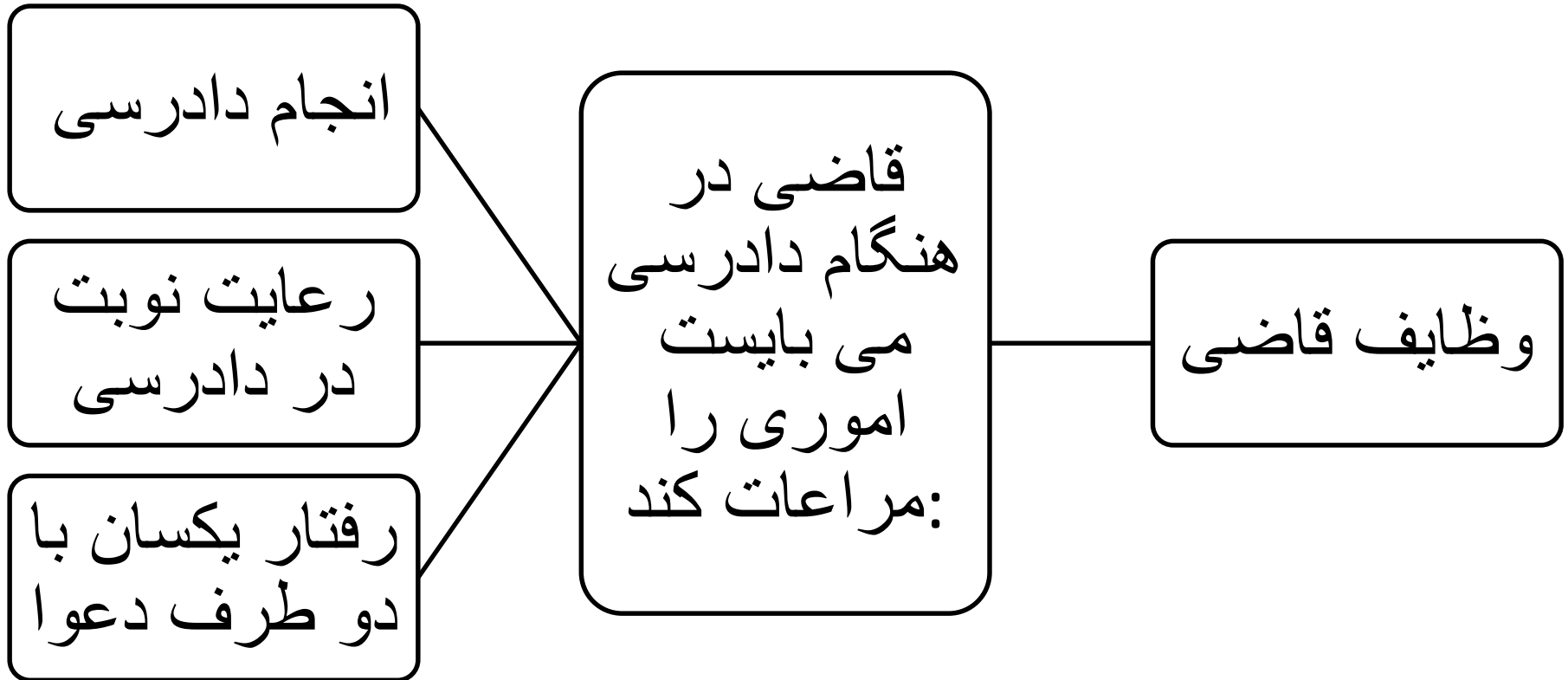
# عدالت ثبوتی و اثباتی دستگاه قضا



# عدالت ثبوتی و اثباتی دستگاه قضا



# عدالت ثبوتی و اثباتی دستگاه قضا



## عدالت ثبوتی و اثباتی دستگاہ قضا

- 3. رفتار یکسان با دو طرف دعوا
- قاضی باید در برخورد با دو طرف دعوا نسبت به هر دو، رفتار یکسانی داشته باشد؛ اگر چه آنها از نظر موقعیت اجتماعی بسیار متفاوت باشند. (۴۹۲)
- (492 ر.ک: الامام الخمينی، تحرير الوسيلة، ج ۲، ص ۴۰۹) کتاب القضاء، القول فی وظائف القاضی، الاول.)

## عدالت ثبوتی و اثباتی دستگاہ قضا

- این مطلب را تمام مذاهب اسلامی پذیرفته اند. (۴۹۳) برخی از فقها در تأکید بر این تساوی به گونه ای غریب اصرار کرده اند.
- (493) ر.ک: محمد حسن النجفی، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۱۴۰ و ابن قدامی، المغنی، ج ۱۱، ص ۴۴۱.

## عدالت ثبوتی و اثباتی دستگاہ قضا

- هذا كله إذا استويا في الدين مسلمين أو مشركين فأما أن يكون أحدهما مسلما و الآخر مشركا، قال بعضهم: يرفع المسلم على المشرك في المكان، لما روى أن عليا عليه السلام رأى درعا من يهودى فعرفها و قال هذه درعى ضاعت منى يوم الجمل، فقال اليهودى درعى و مالى و فى يدي، فترافعا إلى شريح و كان قاضى على عليه السلام فلما دخلا عليه قام شريح من موضعه و جلس على فى موضعه و جلس شريح و اليهودى بين يديه فقال على عليه السلام لو لا أنه ذمى لجلست معه بين يديك، غير أنى سمعت النبى عليه السلام يقول: لا تساووهم فى المجالس. و هذا هو الأولى.



## عدالت ثبوتی و اثباتی دستگاہ قضا

- رفتار با غیر مسلمان
- اگر یک طرف دعوا، مسلمان و طرف دیگر، غیر مسلمان باشد، قاضی می تواند در حدی که تفاوت مسلمان و کافر به لحاظ حرمت محفوظ باشد، در برخورد با آنها رفتار متفاوتی از خود بروز دهد و نسبت به مسلمان احترام بیشتری قایل شود، مثلاً مسلمان را بنشانند و کافر را ایستاده نگه دارد. (۵۱۸)
- (518 ر.ک: الامام الخمينی، تحرير الوسيلة، ج ۲، ص ۴۰۹) کتاب القضاء، القول فی وظائف القاضی، الاول.

## عدالت ثبوتی و اثباتی دستگاہ قضا

- ابن قدامی در مغنی روایتی نقل می کند که علی علیه السلام با یک نفر یهودی بر سر یک زره اختلافی پیدا کرد. یهودی حضرت علیه السلام را به دادگاه مسلمانان دعوت نمود. آن دو نزد شریح قاضی رفتند. شریح چون حضرت علیه السلام را دید، از جای خود برخاست و حضرت علیه السلام را در جایگاه خویش نشاند و خود همراه یهودی مقابل حضرت علیه السلام نشست.

## عدالت ثبوتی و اثباتی دستگاه قضا

- امام علی علیه السلام فرمود: اگر طرف دعوی من یک مسلمان بود، همراه او روبروی تو می نشستم، ولی از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود: «لاتساووهم فی المجالس» [با آنها در جایگاه نشستن مساوی قرار نگیرید]. (۵۱۹)
- (519 ر.ک: ابن قدامی، المغنی، ج ۱۱، ص ۴۴۴ و الشیخ محمد حسن النجفی، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۱۴۳.

## روایهٔ ابن قدامی در مغنی

- این روایت نیز در هیچ منبعی از منابع ما وجود ندارد. چه منابع دست اول و چه منابع ثانویه حتی در کتب غیر معتبره نیز وجود ندارد.
- در منابع اهل سنت نیز در کتب حدیثی معتبر آنها این روایت وجود ندارد. و هر کسی هم از ایشان این روایت را نقل کرده است خودش نقادی نموده و توضیح داده است که این روایت صحیح نیست.

## روایه ابن قدامی در مغنی

- در مغنی ابن قدامه چنین آمده است: ج ۹ ص ۸۲ «و ان كان احدهما مسلما و الآخر ذميا جاز رفع المسلم عليه لما روى ابراهيم التيمي» بعد از این مطلب خودش اضافه می کند که این روایت از کتاب **حلیه الاولیا** است که اصلا نفس کتاب یک کتاب حدیثی دارای اتقان نیست. بلکه بیشتر یک کتاب ذوقی است.

## روایهٔ ابن قدامی در مغنی

- سند روایت هم سند متصلی نیست لیکن به این صورت است که **ابی سمیر** که کنیه شخصی به نام **حکیم بن خدام** است از **اعمش** نقل می کند و او از **ابراهیم تیمی** نقل می کند. خود اهل سنت سند این روایت را مطرود می دانند.

## روایهٔ ابن قدامی در معنی

- در میزان الاعتدال و لسان المیزان نسبت به **ابی سمیر** آمده که **ضعیف<sup>۲۸</sup>** **متروک الحدیث**.
- بخاری نسبت به **ابراهیم التیمی** گفته است **منکر الحدیث**.
- صاحب کتاب حلیه الاولیا که خودش حدیث را آورده دربارهٔ این روایت گفته است: **غریب من حدیث الاعمش عن ابراهیم تفرد به حکیم**.
- یعنی این روایت از احادیث غریبه است که متفرد است و این روایت شاذ و غیر قابل اعتماد است.

## رواية إبراهيم بن محمد الثقفى في الغارات

- باب نوادر ما يتعلق بأبواب آداب القاضي
- ٢١٩٣٤٦ إبراهيم بن محمد الثقفى في كتاب الغارات ، عن إسماعيل بن أبان عن عمر بن شمر عن سالم الجعفي عن الشعبي قال: وجد علي عليه السلام درعا له عند نصراني فجاء به إلى شريح يخاصمه إليه فلما نظر إليه شريح ذهب يتنحي فقال مكانك فجلس إلى جنبه وقال يا شريح أما لو كان خصمي مسلما ما جلست إلا معه ولكنه نصراني وقال رسول الله صلى الله عليه وآله إذا كنتم وإياهم في طريق فاجئوهم إلى مضائقهم وصغروا بهم كما صغر الله بهم في غير أن تظلموا الخبر .



## رواية البدايه والنهايه ابن كثير

- وَقَالَ عمرو بن شمر عن جابر الجعفي عن الشعبي قال: وجد علي بن أبي طالب درعه عند رجل نصراني فأقبل به إلي شريح يخاصمه، قال: فجاء علي حتى جلس جنب شريح وقال: يا شريح لو كان خصمي مسلماً ما جلست إلا معه، ولكنه نصراني وقد قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا كُنْتُمْ وَإِيَّاهُمْ فِي طَرِيقٍ فَاضْطَرُّوهُمْ إِلَى مَضَائِقِهِمْ، وَصَغَرُوا بِهِمْ كَمَا صَغَرَ اللَّهُ بِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ تَطْغَوْا»

## رواية البدايه والنهايه ابن كثير

- ثُمَّ قَالَ: هَذَا الدَّرْعُ دَرْعِي وَلَمْ أَبْعَ وَلَمْ أَهَبْ، فَقَالَ شَرِيحٌ لِلنَّصْرَانِيِّ: مَا تَقُولُ فِيمَا يَقُولُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ النَّصْرَانِيُّ: مَا الدَّرْعُ إِلَّا دَرْعِي وَمَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عِنْدِي بِكَاذِبٍ، فَالْتَفَتَ شَرِيحٌ إِلَى عَلِيٍّ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَلْ مِنْ بَيْنَهُ؟ فَضَحَّكَ عَلِيٌّ وَقَالَ أَصَابَ شَرِيحٌ، مَا لِي بَيْنَهُ، فَقَضَى بِهَا شَرِيحٌ لِلنَّصْرَانِيِّ، قَالَ فَأَخَذَهُ النَّصْرَانِيُّ

## رواية البدايه والنهايه ابن كثير

• ومشى خطا ثم رجع فقال: أَمَا أَنَا فَأَشْهَدُ أَنَّ هَذِهِ أَحْكَامُ الْأَنْبِيَاءِ، أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَدِينُنِي إِلَى قَاضِيهِ يَقْضِي عَلَيْهِ، أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ، الدَّرْعُ وَاللَّهُ دَرَعُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اتَّبَعْتَ الْجَيْشَ وَأَنْتَ مُنْطَلِقٌ إِلَى صَفِينٍ فَخَرَجْتَ مِنْ بَعِيرِكَ الْأَوْرَقِ. فَقَالَ: أَمَا إِذْ أَسْلَمْتَ فَهِيَ لَكَ، وَحَمَلَهُ عَلَى فَرَسٍ. قَالَ الشَّعْبِيُّ: فَأَخْبَرَنِي مَنْ رَأَاهُ يُقَاتِلُ الْخَوَارِجَ يَوْمَ النَّهْرَوَانَ